

## واژه اهریمن در ادبیات سغدی بودایی

زهره زرشناس (پژوهشگاه علوم انسانی)

اهریمن<sup>۱</sup>، خرد خبیث، دیو یا شیطان، ویرانگر، مرگ آفرین، راهنمای بدی‌ها و، در دین زردشتی، منشأ بدی، زشتی، پلیدی، تاریکی، جهل، ستم و دشمن خداوند است. این نام، در اوستای گاهانی، Angra Mainyu؛ در اوستای غیرگاهانی، Agra Mainyu؛ در ادبیات پهلوی، Ahreman؛ و، در فارسی نو، اهریمن آمده و در کتیبه‌های فارسی باستان ذکری از آن به میان نیامده است.

واژه Angra Mainyu فقط یک بار در گاهان (یسن ۴۵، بند ۲) ذکر شده است. اما، در اوستای غیرگاهانی، به دفعات از Agra Mainyu با عنوان daēvanām daēvō «دیوان دیو» (وندیداد، فرگرد ۱۹، بندهای ۱ و ۴۳-۴۴) یاد شده است. اهریمن، در کتاب‌های مقدس زردشتی، نادان و فریبکار (یسن ۳۰، بندهای ۵ و ۶) خبیث، خالق بیماری، بلا، مصیبت، شرارت، بدی (وندیداد ۱) و مرگ و نیستی (یسن ۳۰، بند ۴) است. وی به آفرینش نیک اشته

۱) اهرمن، اهرن، اهرامن، اهریمه، آهرن، آهرمن، آهرامن، آهرمن، آهریمه، هریمه صورت‌های دیگر این واژه در فرهنگ‌های فارسی است. (دهخدا ۱۳۴۲)

۲) دوشن گیمن واژه d•baoman به معنای «فریبکار» (یسن ۳۰، بند ۶) را به احتمال زیاد همان Angra Mainyu می‌داند. (Duchesne-Guillemin 1989, p. 670)

هومباخ همان واژه را «پندار و توهم» معنا کرده است (یسن ۳۰، بند ۶). وی واژه dr•guu ā acištā (یسن ۳۰، بند ۵) را به معنای «فریبکار» می‌داند. (Humbach 1991, p. 124)

۳) دوشن گیمن: اهریمن «مرگ» را آفریده است و «در پایان کار، بدترین هستی برای آن فریبکار خواهد بود» (یسن ۳۰، بند ۴؛ نیز ← op. cit. p. 670)؛

هومباخ: «نیروی حیاتی و فقدان نیروی حیاتی و در پایان کار، بدترین هستی، آن فریبکار خواهد بود» (یسن ۳۰، بند ۴؛ نیز ← op. cit. p. 124).

هجوم می‌برد (یشت ۱۳، بند ۷۷) و به وسوسه و اغوای زردشت می‌پردازد (وندیداد ۱۹، بند ۶ و بندهای بعدی). از رویداد عجیب و باور نکردنی به بارگی گرفتن<sup>۴</sup> اهریمن، به مدت سی سال، به دست تهمورث Taxma Urupi، دوبار در اوستا یاد شده است (یشت ۱۵ بند ۱۲ و یشت ۱۹ بند ۲۹).

در متن‌های پهلوی، واژه اهریمن گاهی وارونه نوشته می‌شود تا نشانه‌ای از واژگونگی اعمال وی و بیزاری کاتب از او باشد. در این متن‌ها نیز، اهریمن دشمن اورمزد است و به آفرینش اورمزد می‌تازد و بیماری، تاریکی، ریمنی، ویرانی، عیب، نقص و مرگ می‌آفریند (بندهش ۵، بندهای ۴۲-۴۷). آغاز نبرد اورمزد و اهریمن، زمان معین شده برای آن، توصیف کامل آفرینش اورمزدی و اهریمنی و سرانجام کار اهریمن در متن‌های پهلوی به صورت‌های متفاوتی آمده است<sup>۵</sup>. اما، امروزه، به عقیده پارسیان هند، اهریمن جلوه‌ای از تمایلات اهریمنی است و از این رو نبرد واقعی میان اورمزد و اهریمن در روح هر انسان در تمامی جهان ادامه دارد.

اهریمن، درست مانند مخلوقاتش، به اشکال گوناگون نظیر مار، مگس، مارمولک و یا حتی انسان ظاهر می‌شود (دینکرد، ص ۹۸-۱۰۰). وی صاحب دختری به نام جهی<sup>۶</sup> است که یاور نیرومند و تبهکار پدر در کارزار با اورمزد است (بندهش ۵، بندهای ۴۰-۴۱). اهریمن را با اهی Ahi، «مار یا افعی آسمان» در هند باستان و ماره Māra ی بودایی شبیه دانسته‌اند؛ اما، اهریمن به شیطان بسیار نزدیک است، گر چه مانند وی فرشته‌ای هبوط کرده نیست.

واژه اهریمن، در زبان سغدی، به صورت‌های زیر دیده می‌شود:

الف) در متن‌های سغدی بودایی و در متن‌هایی که به خط سغدی نوشته شده‌اند، t'ōrmnw با تلفظ احتمالی /aθramanu/ و /əšōmanu/ به معنای «اهریمن» مشتق از \*ahra-manyu (قریب ۱۳۷۴، ۱۸۱۲)؛ برای مثال ←

Frag. Len.:31, 93 (RaGoZA 1980); Tsp: 11,16 (BENVENISTE 1940)

(۴) در شاهنامه (ج ۱، ص ۲۶-۲۷) آمده است:

برفت اهرمن را به افسون بیست  
چو بر تیزرو بارگی برنشست  
زمان تا زمان زینش برساختی  
همی گرد گیتیش برتاختی

(۵) برای آگاهی بیشتر ← Duchesne-Guillemin 1989, pp. 671-2

(۶) در ادبیات اوستایی، Jāhikā-, jāhī-، در ادبیات پهلوی، jeh به معنای «روسی».

صفت مؤنث  ${}^y t\delta r m n w k \omega ' n c h$  با تلفظ  $/\theta r a m a n u - k w \bar{a} n \check{c}/$  به معنای «اهریمنی»  
(قریب ۱۳۷۴، ۱۸۱۳)؛ برای مثال ← Vim: 98,110 (MacKenzie 1976, pp. 20-30)

(ب) در متن‌های سغدی مانوی،  $\check{s} m n w$  با تلفظ احتمالی  $/\check{s} m a n u /$  به معنای «اهریمن»  
مشق از  $\langle a \theta r a m a n u \rangle$   $\langle a h r a - m a n u \rangle$  (قریب ۱۳۷۴، ۹۲۹۳)؛ برای مثال ←  
KG: 2333 (Sundermann 1981); Msp: b194 (Sundermann 1985)

صفت مؤنث  $\check{s} m n k w ' n c$  با تلفظ احتمالی  $/\check{s} m a n u k \bar{a} n \check{c}/$  به معنای «اهریمنی» (قریب  
۱۳۷۴، ۹۲۹۴)؛ برای مثال ←

BBB: 639 (Henning 1937); cosmog.:p. 311, 66 (Henning 1948: pp. 306-318),

صفت مذکر  $\check{s} m n w q ' n y (y)$  با تلفظ احتمالی  $/\check{s} m a n u k \bar{a} n \bar{e} /$  به معنای «اهریمنی»  
(قریب ۱۳۷۴، ۹۲۹۵)؛ برای مثال ← BBB: 639 (Henning 1937); ibid: b 83

(ج) در متن‌های سغدی مسیحی،  $\check{s} m n w$  با تلفظ احتمالی  $/\check{s} m a n u /$  به معنای «شیطان»  
دیو، اهریمن» (قریب ۱۳۷۴، ۹۲۹۳)؛ برای مثال ←

ST II: p. 524 (Müller and Lentz 1934: pp. 502-607); C<sub>3</sub>: 18; C<sub>2</sub>: 13R28, 39R12, ...  
(Sims-Williams 1985)

صفت مذکر  $\check{s} m n q ' n (n) y (y)$  با تلفظ احتمالی  $/\check{s} m a n k \bar{a} n \bar{e} /$  به معنای «شیطانی»  
دیوی» (قریب ۱۳۷۴، ۹۲۹۱)؛ برای مثال ←

BSTII: p. 849, 4 (Hansen 1954); C<sub>2</sub>: 12 R4 (Sims-Williams 1985).

واژه‌های  $t\delta r m n w$  و  $\check{s} m n w$  و صفت‌های مؤنث و مذکر مربوط به آن، در متن‌های

---

(۷) املاهای دیگر این واژه در متن‌های سغدی:  $t\delta r m n k w ' c h$  (Dhu.:173 ← MacKenzie 1976, pp. 33-51);  
 $t\delta r m n k w ' n c h$  (Tales: 476, 5) ← Henning 1945, pp. 465-487;  $t\delta r m n k w ' n c h$  (Sogdica: pp. 60,13) ← Henning 1940).

(۸)  $\theta r$  ایرانی باستان و در کنار آن  $\delta r$  قدیمی‌تر (که بیشتر در خط سغدی دیده می‌شود) اغلب به صورت  $\check{s}$   
(به خصوص در متن‌های سغدی مانوی) ظاهر می‌شود. برای مثال،  $\check{s} t y k$  به معنای «سه» از  $\theta r i t \bar{y} a$ .  
(Benveniste 1938, p. 507; Gershevitch 1961, §299; Sims-Williams 1989, p. 180).

(۹)  $\check{s} m n k w ' n c$  صورت مؤنث و مقلوب از  $\check{s} m n w q ' n y$  (صورت مذکر) است. (Gershevitch 1961, §423).  
صورت املایی دیگر این واژه  $\check{s} m n w k ' n c$  است. برای مثال ← BBB:639 (Henning 1937).

(۱۰) پسوند‌های صفت ساز  $-q' n / -k' n$  و  $-q' n y (y) / -k' n y (y)$  دلالت بر آنچه که به شخص یا موجودی مربوط  
باشد دارند. برای مثال،  $\check{s} m n w$  به معنای «اهریمن» به اضافه  $\check{s} m n w q ' n y (y) \leftarrow q' n y (y)$  به معنای «اهریمنی».  
(Gershevitch 1961, §1063-4). صورت مؤنث این صفت  $\check{s} m n k w ' n c$  است. (ibid, §1065)

سغدی مانوی و برخی متن‌های سغدی بودایی، به معنای «اهریمن» و، در متن‌های سغدی مسیحی، به معنای «شیطان، دیو و اهریمن» به کار رفته و دارای همان صفات فریبکاری، مرگ‌آفرینی، ویران‌کنندگی در نبرد با خداوند است.

اما، در متن‌های سغدی بودایی زیر، مترجم برای برگرداندن واژه چینی 魔 [ma] mo (Mathews 1972:4545) و واژه سنسکریت ماره māra (یکی از اصطلاحات خاص آیین بودا) به زبان سغدی واژه 'tδrmnw و صفات آن را برگزیده است:

1. Vim. : 148: (... 'tδrmnw 'wy p'z'ny...)

به معنای «... در اندیشه ماره Māra (دیو)».

2. Vim.: 98; Dhū.: 173 (Mackenzie 1976: pp. 33-51): (... ctβ'r wkry' 'tδrmnw-kw'ch...)

به معنای «چهار ماره<sup>۱۲</sup>»، معادل با 魔 (種) 四 (در زبان چینی) و برابر با: \*catvāro mārāḥ (در زبان سنسکریت).

3. P6: 190 (Benveniste 1940: pp. 82-92): (... 'k'βtk 'tδrmkw'neh...)

به معنای «ناراست اهریمنی، کج شیطانی» معادل با 邪 魔<sup>۱۳</sup> (در زبان چینی) و برابر با mithyā Māra یا tīrthika Māra به معنای «ماره بدعت‌گذار، اهریمن مرتد، ماره کژ آیین و ماره ناراست» (در زبان سنسکریت).

4. Vim. : 110: (... 'sβ<sup>o</sup>r'ck' 'tδrmnwkw'neh...)

به معنای «چیز اهریمنی، جوهر یا ماده یا موضوع اهریمنی» معادل با 魔 事 (در زبان چینی) (Mathews 1972: 5787) و برابر با Māra-karmā ṇi<sup>۱۴</sup> به معنای «کردارهای ماره، رفتارهای ماره» (در زبان سنسکریت).

ماره فریبکار و مرگ‌آفرین خدایی است که، در افسانه و کیهان‌شناسی بودایی، سرور بوم احساس-آرزو (kāmadhā tu) و دشمن اصلی بودا و پیروان وی است. لقب اصلی

(۱۱) wkry، در این‌جا عامل شمار (numerative) است. (Mackenzie 1970, 119 n.)

(۱۲) در سنت بودایی، به طور معمول و متعارف، چهار ماره (Māra) وجود دارد. (Edgerton 1970: Māra)

(۱۳) فرهنگ چینی: «شیطان، نیروی تاریکی». (Mathews 1972: 2625): بنونیست ترجمه و لیبنتال

(W. Liebenthal) را از متن چینی P6 به زبان انگلیسی عیناً در کتاب خود آورده است. (Benveniste 1940).

(ibid, p.207) در آن متن چینی، عبارت «خدایان دروغین» آمده است. (ibid, p.207)

(۱۴) به طور کلی، ده Māra-karmā ṇi به معنای «اعمال شیطان» وجود دارد. (Edgerton 1970: Māra)

ماره بدکار، اغواگر و دشمن، در ادبیات بودایی، *pāpīyāms* به معنای «شیطان» است (De la Vallée 1971: p.406). او را *namuci*<sup>۱۵</sup> به معنای «نبخشیدنی، رها و رستگار نشدنی» نیز نامیده‌اند. مرکب وی فیلی است و او اسیرانش را در دام اندیشه‌ها و لذات مادی و این جهانی گرفتار و به تحمل رنج و مرگ‌های مکرر دچار می‌سازد.

در کتاب‌های مقدس بودایی، ماره خدای مرگ و نیز خدای زندگی یعنی خدای باززایی است. وی همان «ریژوکام» (*kāma*) است چراکه «آرزو و خواست» دلیل وجودی تولد و مرگ است و، از آنجا که بودا رهاننده آدمیان از تولد و مرگ دوباره است، ماره شیطان صفت دشمن خصوصی بودا و آیین اوست و به وسوسه و اغوای بودا<sup>۱۶</sup> و پیروان وی<sup>۱۷</sup> می‌پردازد و همواره می‌کوشد تا سدی بر سر راه بُدی ستوه *Bodhisattva*، بودا و یا پیروانش ایجاد کند<sup>۱۸</sup>.

به طور معمول و متعارف چهار ماره: (۱) *Kleśa-Māra*، ماره پلیدی‌ها و شهوات (۲) *Skandha-Māra*، ماره گروه شخصیت<sup>۱۹</sup>؛ (۳) *Mṛtyu-Māra*، ماره مرگ، (۴) *Deva*

۱۵) در داستان‌های کانون پالی، ماره دیوی به نام *Namuchi* است که دیوی ودایی است و به دست ایندرا *Indra* کشته می‌شود. (De la Vallée 1971, p.407)

۱۶) در سوتره‌ای به زبان پالی به نام *Mārasamyutta* (1.4) *Samyutta Nikāya* آمده است: ماره تلاش بسیار کرد تا بودا را منحرف سازد یا بترساند و او را با لذات دنیوی وسوسه و اغوا کند. (Auer Falk 1987, p.187)

۱۷) در مجموعه‌ای به نام *Bhikkunīsamyutta*، ماره در تلاشی ناموفق، به اغوا و اغفال و تضعیف روحیه ده راهبه مر اقبه‌کننده می‌پردازد (1.5) *Samyutta Nikāya*. هنگامی که وی به فعالیت در درون آدمی بپردازد، به صورت اندیشه‌ای سرکش یا ترس یا درد ظاهر می‌شود و یا دیگران را به مخالفت یا بدرفتاری با انجمن راهبان وا می‌دارد. (Auer Falk 1987, p.187)

۱۸) داستان‌های بسیاری نقل شده است درباره حیل‌های ماره در جهت ایجاد خلل در روح ریاضت‌جوی گنوتمه (*Gautama*) از لحظه ترک خانه و آغاز راه و یا هنگامی که، زیر درخت روشن‌شدگی (*bodhi*)، بی‌حرکت و مصمم و پایدار و ثابت نشسته بود و توجهی به رگبار سنگ و تیر ماره و یارانش، که به محض نزدیک شدن به او به گُل بدل می‌شد، نداشت (این حمله با «لمس کردن زمین» از جانب گنوتمه پاسخ گفته شد یعنی بودای آینده، با لمس کردن زمین به انگشتش، آن را احضار کرده و برای برتری خویش به شهادت گرفت) و یا زمانی که بودا بر همه موانع دنیوی غلبه یافت و ماره، برای جلوگیری از اشاعه دین وی، تلاش می‌کرد که وی را وادارد که هر چه زودتر به نیروانه *Nirvāna* نایل شود. شرح این مطالب به خصوص در *padhān suttā* از *sutta Nipāta* و در *Mahāvastu*، *Lalitavistara*، *Nidāna-kathā* آمده است (ibid). ذکر جزئیات از حوصله این بحث خارج است.

۱۹) اسکنده *skandha* در اصل به معنای «ساقه درخت» است و در فلسفه بودایی اشاره به پنج گروه عناصری دارد که جسم و روح انسان را تشکیل می‌دهند. پنج اسکنده عبارت‌اند از جسم، احساس، ادراک، تأثرات ذهنی، آگاهی. (شایگان ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۱۵۳)

۲۰) این واژه به صورت *Marāṇa Māra* نیز آمده است.

putra-Māra، ماره سرور و معبود و، در فلسفه مدرّسی scholasticism، سه ماره: (۱) Deva putra Māra (۲)؛ Maraṇa Māra (۳)؛ Kleśa Māra و، در کانون پالی، سه، چهار و یا شش ماره قابل تشخیص است. اما، در نظریه‌های متأخر بودایی، میلیون‌ها ماره به رهبری سر-ماره وجود دارد.

ماره صاحب سه دختر به نام‌های Trṣṇā «عطش و تشنگی حیات»، Rati «آرزو و خواست» و Rāga «لذت و شادی» است.<sup>۲۱</sup>

ماره، هرچند در بیشتر افسانه‌ها به صورت شخصیتی ملموس و عینی ظاهر می‌شود، در حقیقت، تجلّی تمایلات و شهوات و ترس‌ها و تردیدها و پندارهایی است که سدّ راه «بودا» شدن است. از این رو، خشم و بینش‌های نادرست دام‌های اویند و قید و بند و آلودگی و فساد و ویرانی لشکریان او. فرزندانش تمنا و خواست، شهوات، سردرگمی، سراسیمگی، لذت و غرورند. ماره خود، به اشکال گوناگون، با تاریکی، نادانی، بی‌خبری، ناپاکی، فساد و انحطاط، که پایه ریژوکام است و، از این رو، زادمرد (=تولد و مرگ مکرر) را تسریع می‌کند، یکی دانسته شده است.

ماره میراننده بازنمای نیروی شرّی معنوی است که شاکیه مونی Śākyamuni به خوبی از مواجهه و غلبه بر آن آگاه بود. ماره فریبکار، به دو صورت شهوت و مرگ، خصم همزاد همه کسان است که می‌کوشند به وضع ساکن و بی‌مرگ نیروانه Nīrvāna نایل شوند. باید توجه داشت که چیرگی قطعی بر ماره، در هر سطح معنوی یا عامه‌پسند، عنصر لاینفک این اسطوره است.

می‌دانیم که متن‌های سغدی بودایی<sup>۲۲</sup>، در حقیقت، آثار بازمانده ادبیات بودایی به زبان سغدی است. این آثار شاید پرحجم‌ترین آثار ادبی زبان سغدی باشد که در صومعه‌های آسیای مرکزی از اصل چینی و هندی به زبان سغدی ترجمه شده‌اند و محتوای آنها از مکتب مهاییانه (Mahāyāna) بودایی نشئت گرفته است. ادبیات سغدی بودایی نوعی ادبیات ترجمه‌ای و مشحون از اصطلاحات فلسفی و احکام آیین بوداست

۲۱) این اسامی به صورت Taṇhā «آرزو» و Arati «آشوب» و Rati «لذت» نیز آمده است.  
(De la vallée 1971, p407)

۲۲) در این مقاله، فقط شرح مختصری از متن‌های سغدی بودایی آمده است. برای آگاهی بیشتر ← قریب ۱۳۷۴، ص نوزده-بیست و چهار؛ نیز ← Sims-Williams 1989, pp. 174-5

و بخش اعظم آن نمودار ادبیات بودایی چینی است که غالباً از آن ترجمه شده است.<sup>۲۳</sup> بسیاری از متن‌های بودایی شناخته سغدی بازتاب نسخه‌های چینی آثار مکتوب آیین بودا را تا بدان جا که ویژگی‌های واژه‌شناختی و اصطلاحی و سبکی نسخه‌های چینی مستقیماً در ترجمه سغدی نمایان است. مترجم سغدی، هرگاه که نتوانسته است واژه یا عبارتی سغدی برای برگرداندن تعبیر یا اصطلاحی خاص بیابد، به ترجمه تحت‌اللفظی آن پرداخته است.<sup>۲۴</sup> حتی، در بعضی موارد، تنها به آوانویسی واژه‌های مبهم چینی به خط سغدی اکتفا کرده است.<sup>۲۵</sup>

تاریخ ترجمه متون سغدی بودایی روشن نیست. تنها، در یک مورد، تاریخ ترجمه (۷۲۸ میلادی) مشخص است.<sup>۲۶</sup> بنابراین، احتمال می‌رود که بخش بزرگی از این متون ترجمه‌ای متعلق به دوره اصلی سلطنت سلسله تانک در آسیای مرکزی (نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم میلادی) باشد. (Utz 1980, p.8)

گفتیم که متن‌های سغدی بودایی ترجمه‌هایی از آثار بودایی چینی یا هندی‌اند. از این رو، وجود اصطلاحات خاص آیین بودا در آنها بارز و نظرگیر است. درک و فهم این متن‌ها، بدون مراجعه به اصل چینی یا هندی آنها، اغلب دشوار و گاه غیرممکن است. در بعضی موارد نیز، صورت سغدی واژه‌ها، در اثر تغییرات ناشی از نقش‌های دستوری، از صورت‌های سنسکریت دور شده‌اند.

کاربرد یکی از اصطلاحات خاص آیین بودا برای واژه‌ای که در ادبیات دینی زردشتی رایج است می‌تواند ناشی از دلایلی به شرح زیر باشد:

الف) با توجه به ویژگی‌ها و خویشکاری‌های همانند و گاه یکسان ماره در ادبیات بودایی و اهریمن در ادبیات زردشتی، مترجم سغدی‌زبان اهریمن را یگانه معادل

۲۳) داستانی بلند «وستره جاتکه» (Vessantara Jātaka) (قریب ۱۳۷۱؛ BENVENISTE 1946)، در میان آثار ادبی سغدی بودایی، از این قاعده مستثناست و احتمالاً، همان طور که سیمز ویلیامز (Sims-Williams 1989, p. 175) نیز خاطرنشان ساخته است، خود تألیفی مستقل و یا بازنویسی داستان تولد بودا به زبان سغدی است.  
۲۴) برای مثال، واژه سغدی Vimalakīrtinirdeśa sūtra چندین مفهوم نیست مگر آن که فرض کنیم ترجمه‌ای تحت‌اللفظی از نسخه چینی باشد. (Utz 1980, p.7)

۲۵) برای مثال، مترجم سغدی زبان «سوتره علت و معلول عمل» چندین واژه مبهم چینی را به خط سغدی آوانویسی کرده و در برگردان سغدی گنجانیده است. (MacKenzie 1970, pp. 42-77)

۲۶) این تاریخ مربوط به ترجمه «سوتره‌ای اندر نکوهش آشامیدنی مستکاره» است. (MacKenzie 1976, p.8)؛ ترجمه فارسی این سوتره نیز به چاپ رسیده است. (زرشناس ۱۳۶۹ الف)، ص ۲۳۳-۲۴۲.

مناسب برای توصیف ماره دانسته است و یا آن که، با این انتخاب، قصد بیان این همانندی و یکسانی را داشته است.

ب) واژه «اهریمن»، به تأثیر دین و ادبیات زردشتی، در زبان‌های ایرانی<sup>۲۷</sup>، وجود داشته و مترجم سغدی‌زبان متن‌های بودایی برای ترجمه و بیان این اصطلاح بودایی از این واژه آشنا در فرهنگ ایرانی استفاده کرده است.

ج) مترجم سغدی‌زبان ما، پیش از گرویدن به آیین بودا، احتمالاً زردشتی مذهب و با این واژه و دیگر اصطلاحات دینی و آیینی آشنا و مأنوس بوده است.

د) شاید یگانه معادل مناسب برای بیان مفهوم ماره که در زبان سغدی وجود داشته واژه *t'dōrmnw* بوده است. هر چند، در زبان سغدی، واژه *dyw* با تلفظ احتمالی */dēw/* به معنای «دیو» (قریب ۱۳۷۴: ۳۷۹۹) نیز وجود دارد.

به‌هرحال، این امر، دلیل آن هرچه باشد، از چندگانگی در ترجمه آثار سغدی بودایی و مانوی و مسیحی حکایت دارد. بررسی این واژه و دیگر واژه‌های نظیر آن<sup>۲۸</sup> شاید سر نخ‌ی باشد برای چگونگی روند انجام گرفتن این ترجمه‌ها و این که از کجا به کجا رفته است و هم‌چنین توجیهی باشد برای ضرورت فراهم ساختن واژه‌نامه‌ای سه‌زبان از اصطلاحات بودایی متن‌های سغدی همراه با معادل سنسکریت و چینی و فهرستی از برگردان‌های هر اصطلاح در زبان سغدی به همراه معادل فارسی آنها.

#### کتاب‌نامه

پاشایی، ع، ۱۳۶۸: بودا، ج ۴، انتشارات مروارید، تهران؛ دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۴۲: لغت‌نامه، دانشگاه تهران، تهران؛ زرشناس، زهره، ۱۳۶۹ (الف): «قطعه‌ای به زبان سغدی در نكوهش میخوارگی»، فرهنگ، کتاب ششم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۳۳-۲۴۲: همو، ۱۳۶۹ (ب): «چند وام-واژه سغدی

۲۷) در یکی از متن‌های پهلوی اشکانی ترفانی (Boyce 1975, p. 51, r.6)، عبارت قالبی جاتکه (Jā'taka) های بودایی تکرار شده است:

'wd hw n'g ky 'ydr n'm 'h'z, 'z hym, mry m'ny. 'wd hw ky 'bdr n'm, tw 'yy, mry 'mw. 'wd hw ky "kwndg n'm, 'hrmyyn'h'z.

در این عبارت مانی، امّو و اهریمن، درست مانند بودا، یکی از پیروان پرهیزگارش و ماره (Māra) اغواگر، در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. مشاهده می‌شود که، در این متن مانوی نیز، واژه *hrmyyn* به جای *Māra* به کار رفته است. ۲۸) نگارنده واژه‌های دژمه *dharma* (زرشناس ۱۳۷۷، ص ۸۴-۹۴)، فرّه، بغ، خدا، دام، روان و دیورا نیز بررسی کرده که زیر چاپ است.



در شاهنامه فردوسی، فرهنگ، کتاب هفتم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۶۹-۲۹۳؛ همو، ۱۳۷۷: «اصطلاحی فلسفی در ادبیات سغدی بودایی»، نامۀ فرهنگستان، سال چهارم، شماره اول، شماره مسلسل ۱۳، ص ۸۴-۹۴؛ شاهنامه، ۹ ج، مسکو، ۷۱-۱۹۶۷؛ شایگان، داریوش، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶): ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، ۲ ج، امیرکبیر، تهران؛ فزنیغ‌دادگی، ۱۳۶۹: بندش، گزارنده مهرداد بهار، توس، تهران؛ قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۱: داستان تولد بودا به روایت سغدی، نشر آویشن، بابل؛ همو، ۱۳۷۴: فرهنگ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)، فرهنگان، تهران؛

- ANKLESARIA, Tahmuras Dinshaji 1908: *The Bundahishn*, TD2, Bombay.
- AUER FALK, Nancy E. 1987: "Māra", *Encyclopaedia of Religion*, Mirca Eliade (ed.), Vol. 1, New York, pp. 187-188.
- BARHOLMAE Christian 1979: *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, New York.
- BENVENISTE, E. 1938: "Notes IV", *BSOAS*, 9, pp. 495-519.
- BENVENISTE, E. 1940: *Textes sogdiens* (Mission Pelliot, III), Paris.
- BENVENISTE, E. 1946: *Vessantara Jātaka* (Mission Pelliot, IV), Paris.
- BOYCE, Mary 1975: "A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian", *Acta Iranica* 9, Téhéran-Liège.
- DARMESTETER, J. 1880: *The zend-Avesta*, 2 vol. Oxford.
- DE LA VALLÉE, Poussin L. 1971: "Māra", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol. 8, New York, pp. 406-407.
- EDGERTON, F. 1970: *Buddhist Hybrid Sanskrit Dictionary*, II vol., New Haven, 1953 (reprint Delhi 1970); *Encyclopaedia Britannica* 1994, Chicago, under **Ahriman, Ahura Mazda, Buddhism, Demons, Malevolent beings, Māra**.
- GELDERNER, Karl F. 1886-1895: *Die Heiligen Bücher der Parsen*, Bd. I-III, Stuttgart.
- GERSEVITCH, I. 1954: *A Grammar of Manichaean Sogdian*, Oxford.
- GNOLI, Gherard 1987: "Ahura Mazda and Angra Mainyu", translated from Italian by Roger DE GARIS; *Encyclopaedia of Religion*, Mirca Eliade (ed.), vol. 9, New York, pp. 157-159.
- HANSEN, O. 1954: *Berliner Sogdische Texte II*, Wiesbaden.
- HENNING, W.B. 1937: *Ein manichäisches Bet- und Beichtbuch*, Berlin.
- 1939: "Sogdian Loan-words in New Persian", *BSOAS*, 10, pp. 93-106.
- 1940: *Sogdica*, London.
- 1944: "The Murder of the Magi", *JRAS*, pp. 133-144.
- 1945: "Sogdian Tales", *BSOAS*, 11, pp. 465-487.
- 1948: "A Sogdian Fragment of the Manichaean Cosmogony", *BSOAS*, 12, pp. 306-318.
- HUMBACH, Helmut 1991: *The Gāthās of Zarathushtra and the other old Avestan Texts*, Heidelberg.
- HUMPHREYS, Christmas 1962: *A Popular Dictionary of Buddhism*, London.
- JACKSON, A.V.W. 1971: "Ahriman", *Encyclopaedia of Religion and Ethics*, James Hastings (ed.), vol. 1, New York, pp. 237-238.
- MACKENZIE, D.N. 1970: *The Sūtra of the Causes and Effects of Actions in Sogdian*, Oxford.
- 1976: *The Buddhist Sogdian Texts of the British Library*, *Acta Iranica* 10, Téhéran - Liège.
- MADAN, D.M. (ed.) 1911: *Dinkart (Dēnkard)*, 2 vol. Bombay.
- MATHEWS, Robert Henry 1972: *Mathews' Chinese - English Dictionary*, Revised American Edition.
- MONIER-WILLIAMS, M. 1974: *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford 1899 (reprinted 1956, 1960, 1964, 1970, 1974).
- MÜLLER, F.W.K.-LENTZ, W. 1934: "Soghdische Texte II", *SPAW*, pp. 502-607.

- RAGOZA, A.N. 1980: *Sogdijskie fragmenty central'no-aziatskogo sobranija*, Instituta Vostokovedenija, Moscow.
- Sims-Williams, N. 1985: *The Christian Sogdian Manuscripts*, C2. BTT12.
- 1989: "Sogdian", *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, pp.173-192.
- SUNDERMANN, W. 1981: *Mitteliranische Manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts*, BTT II.
- 1985: *Ein Manichaisch-Soghdisches Parabelbuch*, BTT 15.
- Utz, A. 1980: "A Survey of Buddhist Sogdian Studies", *Bibliographia Philologica Buddhica*, Series Minor, III. Tokyo, II. pp. 1-25.

